

خاطرات آینده متن ادبی جالب از قیصر امین پور

۲۱ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۲۲:۲۴

ولی در واقعیتی که اتفاق افتاده به سختی می توان تغییر داد زیرا دیگر شکل گرفته اند و سخت و سفت شده اند و قالبی! و ضمناً همه هم نظیر آنها را دیده اند و هیچ تازگی ندارد، تکرار مکررات است. اما چه زیباست خاطرات آینده را نوشتن ...

دفتر خاطرات آینده من کجاست؟ خسته شدم از بس دفتر خاطرات گذشته را ورق زدم. من چه زود پیر شده امکاری که عادت پیران است. خاطرات گذشته را همه دیده اند و نوشتن آنها کاری ندارد. اگر من بنویسم، دیگری می نویسد.

هر کس مداد داشته باشد می تواند بنویسد. اما می ترسم فردا نباشم تا خاطرات خود را بنویسم، تازه خاطرات گذشته همه تکراری است. امروز، سه شنبه، از سر کار برگشتم، بی حوصله بودم، روزنامه ها را ورق زدم، خوابیدم، بیدار شدم ... اما خاطرات فردا حتماً تکراری نیست. اگر باشم که آنها را خواهم دید، دیگر لازم نیست بنویسم، اما اگر نباشم و آنها را نبینم، حسرت آور است و یا کسی نباشد که آنها را بنویسد. خاطرات ناراحت می شوند از اینکه کسی آنها را به رسمیت نمی شناسد و ثبت نمی کند و آنها را جدی نمی گیرد. اگر بگویند خاطرات آینده که نیستند، هنوز وجود ندارند، چگونه آنها را بنویسیم، می گویم از این نظر خاطرات گذشته هم دیگر نیستند. اگر وجود خارجی ندارند و فقط در ذهن ما هستند، خوب خاطرات آینده نیز چنینند، نیستند، وجود خارجی ندارند، تنها می توانند در ذهن ما باشند. همان طور که برای یادآوری خاطرات گذشته باید به ذهن فشار آورد، برای یادآوری خاطرات آینده نیز می توان اندکی به ذهن فشار آورد. تازه خاطرات گذشته را نوشتن هنر نیست، هر کسی کمی حافظه داشته باشد، می تواند تقلب کند و از روی آنها رونویسی کند. هر شاگرد تنبلی می تواند از روی کتابی که می بیند بنویسد، مشق بنویسد و نوشتن خاطرات گذشته خیلی رنج آور است، تکراری است، یکبار آدم آنها را دیده است، تجربه کرده است، انجام داده است، شنیده است و نوشتن آنها به نظر خسته کننده و بیهوده می آید و خیلی هم بی رحمانه، زیرا یک «واو» را هم نمی شود جابجا کرد، چون اول خود آدم می فهمد که دروغ گفته است، بعد هم دیگران ممکن است بفهمند و ممکن است خیلی هم جالب نباشد، هنر هم نیست. هنر یعنی دخل و تصرف در واقعیت. ولی در واقعیتی که اتفاق افتاده به سختی می توان تغییر داد زیرا دیگر شکل گرفته اند و سخت و سفت شده اند و قالبی! و ضمناً همه هم نظیر آنها را دیده اند و هیچ تازگی ندارد، تکرار مکررات است. اما چه زیباست خاطرات آینده را نوشتن ... زیرا فقط خود آدم از آنها خبر دارد، و هنوز هیچ کس نمی تواند دست آدم را رو کند. هیچ کس نمی تواند بقیه اش را حدس بزند، هیچ کس نمی تواند بگوید راست می گویی من هم آن روز آنجا بودم ...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/21323/آینده-خاطرات-جالب-ادبی-متن-آینده-خاطرات>